

دو فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: ترویجی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ صص: ۲۸۰-۲۵۷

جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدن سازی

علی اخترشهر^۱

چکیده

از نظر تاریخ زن قبل از اسلام در محرومیت فراوان بوده و از جایگاه مناسب اجتماعی برخوردار نبوده است؛ چرا که نگاه به زن، نگاه ابزاری و کالائی بوده یعنی زن در ردیف یکی از کالاهایی بوده است که در اختیار مردان بوده، تالذت بیشتری از زندگی ببرند ولی اسلام با ندای آسمانی خود تحول بزرگی در زن ایجاد نمود. سوال؛ جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدنی چگونه هست؟ (سوال اصلی) در جواب باید گفت؛ نسبت به زنان سه رویکرد وجود دارد. در عصر بیداری اسلامی، ما شاهدیم که نگاه زن از حالت رویکرد منفعلانه و مدرن سازی غربی به رویکرد تمدن سازی براساس ارزشهای اسلامی تبدیل شده است. (فرضیه) و حاصل آن، حرکت زن به سوی کمال را سرعت بخشید و زن مسلمان متحول و همین امر باعث تاثیرات مهمی در بیداری اسلامی زنان مسلمان شده است. لذا، جهان دریافته که زن مسلمان خانه نشین و منفعل نیست و با استقبال از حجاب اسلامی آنرا به نماد مخالفت با دولت‌ها، اعلام کرده و تلاش نموده اعلام کند که اولاً؛ پوشش اسلامی به عنوان اظهار وجود فردی یا مذهبی به کار می‌رود. ثانياً؛ توجه به حجاب، پاسخی به جنبش فمینیسم است و دلیل تشریف به دین اسلام است.

واژه‌گان کلیدی: حجاب اسلامی، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، تمدن سازی.

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران. (نویسنده مسئول)



مقدمه

زندگی یک کاروان طولانی است که منازل و مراحل مختلفی دارد؛ از طرفی زندگی هدف والایی نیز دارد. هدف انسان در زندگی این است که از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی استفاده نماید. بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه‌ی دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است (آیه الله خامنه‌ای؛ اجلاس بین المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶). بیداری اسلامی؛ ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر میشود (همان) بیداری اسلامی؛ احساس حقارتی است که به واسطه تحولات تاریخی و روندهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تاریخ معاصر خاورمیانه و شمال آفریقا بر مسلمانان تحمیل و آنان را به تأمل در هویت اصلی خود و قیام برای بازگشت به دوران مجد و عظمت اسلامی خویش واداشته است. یکی از عوامل بیداری اسلامی، احساس سرخوردگی زنان مسلمان، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی خود است. هویت، کلیدی‌ترین مفهوم تئوری سازه‌انگاری را در علوم سیاسی و روابط بین الملل تشکیل می‌دهد. سازه‌انگاران بر این اعتقادند که آنچه کنش‌ها و واکنش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تشکیل می‌دهد هویت، فرهنگ، جامعه و روابط بین‌الذات است، مسائلی که در رهیافتهای لیبرالیستی و رئالیستی مورد غفلت واقع شده‌اند. به عبارتی سازه‌انگاران هویت‌ها را عامل شکل دادن و تعریف منافع می‌دانند و معتقدند تعاملات کنشگران به صورت بین‌الذات هنجارها و انگاره‌های مشترکی را به وجود می‌آورند، این هنجارها قوام‌دهنده هویت‌ها هستند و هویت‌ها منافع کنشگران را تعریف می‌کنند (قوام، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

شهید آیت‌الله مطهری هویت اسلامی را عامل خیزش و بیداری مسلمانان در برابر شرق و غرب می‌داند، ایشان در کتاب نهضت‌های صد ساله اخیر چنین آورده‌اند: «مسلمانان پس از یک دوره

فروختگی و از هم پاشیدگی ذهنی باردیگر در جستجوی هویت اسلامی خود در برابر غرب سرمایه داری و شرق کمونیستی بر آمدند. (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۱)

رهبر معظم انقلاب یکی از علل عمده قیام ملت‌های منطقه را احساس سرخوردگی و تحقیری میدانند که توسط استعمارگران و حکومت‌های دست نشانده بر آنها تحمیل شده است، ایشان در این باره می فرمایند: در طول سال‌های متمادی دشمنان و مستکبران و اشغالگران و مداخله گران، ملت‌ها را استثمار کردند، در عین حال آنها را تحقیر و ذلیل کردند، ملت‌های مظلوم به دنبال کرامت خود هستند (بیانات در دیدار با مسئولین نظام در عید مبعث ۱۳۹۰/۴/۹) آن چیزی که مردم را به صحنه کشاند، به صورت واضحی مساله عزت و کرامت انسانی آنها بود. لذا زن مسلمان تلاش دارد که به هویت اصلی خود که همانا حجاب اسلامی است بازگشت کنند تا باردیگر باعث مجد و عظمت تمدن اسلامی خود گردد.

از نظر تاریخ روشن است که زن قبل از اسلام در محرومیت فراوان بوده و از جایگاه مناسب اجتماعی برخوردار نبوده است؛ چرا که نگاه به زن نگاه ایزاری و کالائی بوده یعنی زن در ردیف یکی از کالاهایی بوده است که در اختیار مردان بوده، تا لذت بیشتری از زندگی ببرند. اسلام با ندای آسمانی خود تحول بزرگی ایجاد نمود؛ اولاً از نظر شخصیتی زن را برابر مرد قرار داد، ایمان و عقاید و افکار او را محترم شمرد. ثانياً حقوق اجتماعی زیادی برای او قرار داد که قبل از اسلام وجود نداشت البته اگر هم در بعضی موارد بین او و مرد فرق گذاشته باز به جهت اقتضائات روحی و جسمی زن بوده است و لذا در سایه این تعلیمات زن در میان مسلمین موقعیت اجتماعی مناسبی پیدا کرد.

پیشینه تحقیق

راجع به مشارکت زنان در عرصه اجتماعی مقالات متعددی وجود دارد و از مهمترین آنها، مقاله «مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل موثر بر آن» است. این تحقیق، جلوه های مشارکت سیاسی و عوامل موثر بر آن را در بین زنان ایران با استناد به تحلیل ثانوی نتایج طرح پیمایشی با

تاکید بر پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن در سال ۱۳۸۴ واکاوی نموده است. نتایج حاکی از آن است که میانگین مشارکت سیاسی در هر دو گروه زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و شاغل و زنان بدون تحصیل دانشگاهی و غیر شاغل بسیار کم می باشد. پردازش مدل نظری بویژه در بین گروه زنان شاغل و دانشگاهی حاکی از آن است که مشارکت سیاسی زنان این گروه بیش از همه تابع سطح آگاهی های سیاسی و نگرش آنان به سیاست است و نگرش به سیاست به عنوان متغیر واسطه ای تابع سطح آگاهی های سیاسی، احساس نابرابری جنسیتی در حوزه سیاست، اعتماد به نهادهای حکومتی و مسئولین کشور و در مرتبه آخر متاثر از سرمایه اجتماعی و بویژه فعالیت های انجمنی است. می توان اذعان داشت که توانمندسازی و کاهش انسداد اجتماعی در بحث توسعه، که ترکیبی از سه مولفه آگاهی، توان تصمیم گیری و سازماندهی است اگر به حوزه مشارکت سیاسی زنان تعمیم داده شود، مستلزم افزایش آگاهی سیاسی، افزایش توان تصمیم گیری سیاسی و سازماندهی سیاسی زنان است. لذا افزایش تحصیلات، ورود به عرصه اشتغال و افزایش بسترهای روابط انجمنی می تواند در افزایش مشارکت سیاسی زنان تاثیرگذار باشد. (عظیمی، ۱۳۹۴: ۱۰۵) مقاله؛ موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران موضوع جامعه شناسی سیاسی بطور کلی عبارت است از بررسی شکاف های جامعه، گروه بندی های اجتماعی ناشی از آن و تاثیر نیروی این گروه بندی های اجتماعی بر عرصه های سیاسی. به این لحاظ هدف از مطالعه حاضر نیز تامل در نقش نیروهای ناشی از گروه بندی های برآمده از شکاف های اجتماعی است، چرا که در جامعه شناسی، غرض اساسی از بررسی جامعه همانا تبیین عرصه سیاسی است. در این میان یکی از مباحث عمده ی جامعه شناسی بر آن تعلق دارد که نشان دهد پویایی جامعه و دولت تا چه حد محصول فعال شدن شکاف های اجتماعی در طی زمان است. یکی از این شکاف های اجتماعی، شکاف جنسی است. شکاف جنسی به عنوان یک شکاف ساختی از تقسیم جمعیت جامعه بر دو گروه مردان و زنان به وجود می آید. به علاوه حالت فعالی و انفعالی شکاف مزبور بر حسب نوع جامعه به سه نوع تقسیم می شود: اولاً در جامعه سنتی که زنان تابع شوهرانند و نقش سیاسی ندارند این شکاف فعال نیست، ثانیاً در جامعه نوین تحولات گسترده اجتماعی موجب فعال

شدن این شکاف در قالب درخواست حق رای و نمایندگی در نهادهای پارلمانی و مواردی از این قبیل می شود، ثالثاً در جوامع در حال گذار این شکاف نیمه فعال است، بدین معنی که گاه بر حسب حضور و تلاش های سایر شکاف ها، همچون جناح بندی های سیاسی فعال شده، به تراکم و زمانی از فعالیت بازمی ایستند، که از این حیث بررسی اثرات آن برای پژوهندگان اجتماعی از اهمیتی تام برخوردار است. در این راستا به نظر می رسد جامعه سیاسی فعلی ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار با وضعیت اخیر شکاف جنسی مواجه باشد. در این حیطه، اندیشه سنتی سیاسی که در برابر آرای سیاسی صف آرای کرده، در موارد بسیار، از جمله تدوین قواعد تبعیت زنان از شوهران خصوصاً در عرصه سیاسی و ناگزیر غیر فعال داشتن آن است. این عملکرد البته در قالب تصمیم گیری پنهانی، ایجاد منافع کاذب و نظام انضباطی تامین منافع مردسالارانه و بر پایه بازتولید روابط اجتماعی، چنان وارد صحنه شده که به کنترل و غیر فعال نگه داشتن شکاف جنسی منتهی شود. تحقیق حاضر می گوید بخشی از موانع مشارکت سیاسی زنان را در جامعه فعلی ایران بررسی کند و نشان دهد از چه وضعیتی برخوردار است. (محمدی اصل عباسی، ۱۳۸۳: ۹۳)

مقاله عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان یکی از مقالاتی است در باب زنان. بر این اساس در این مقاله سعی شده است با مطالعه نظر و دیدگاه زنان درباره مشارکت در انتخابات مجلس، عوامل محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی بررسی شود. بر این اساس دانشجویان دختر در حال تحصیل در شش دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی، تهران، امیرکبیر، اصفهان و تبریز انتخاب و دیدگاه آنان مورد مطالعه قرار گرفته است. حجم نمونه مورد بررسی ۳۰۰ نفر است که به روش تصادفی انتخاب شده اند. روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی تحلیلی، و روش گردآوری اطلاعات و داده ها، پرسشنامه ای است. نتایج پژوهش نشان می دهد، عوامل درونی که گرایش زنان را شکل می دهد از یکسو و عوامل مختلف محیطی که فعالیتهای زنان را جهت می دهد، از سوی دیگر در بروز وضعیت مورد مطالعه مؤثرند. در این میان عوامل فرهنگی و چگونگی جامعه پذیری زنان مهمترین عوامل

محدودکننده مشارکت سیاسی زنان و محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی است. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

مقاله؛ نگاهی بر مشارکت سیاسی زنان ایران در بین سال های ۲۰۰۱-۲۰۱۱؛ کیفیت مشارکت سیاسی زنان یکی از نشانه‌های اصلی توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی است که راه را برای توسعه‌ی پایدار نیز هموار می‌کند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این مشارکت، رای دادن برای انتخاب نمایندگان در نهادهای مختلف است. رای زنان را می‌توان یک عامل اساسی که می‌تواند باعث تغییرات مهم در ظرفیت‌های قانونی برای بهبود وضعیت زنان در مناطق مختلف شود، به حساب آورد. نمایندگان، که توسط آرای بانوان مسئول تصمیم‌گیری و پست‌های اجرایی می‌شوند، به طور طبیعی و یا تحت فشار زنان، باید بیشتر مراقب تصمیماتی که به آنها مربوط می‌شود، باشند. با این حال، ترویج مشارکت زنان در عمل به عوامل مختلف بستگی دارد. اگر جامعه می‌خواهد از مشارکت سیاسی زنان بهره بگیرد، این عوامل باید شناسایی و ارزیابی شوند. یکی از مهم‌ترین عوامل، تحولات کلی سیاست کشور است. پرسش کلیدی این نوشتار این است که چه عواملی بر کیفیت مشارکت سیاسی زنان در ایران تاثیر می‌گذارند؟ همچنین بحث اصلی در این راستاست که مشارکت سیاسی زنان ایران در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۱ به دلیل نقش قوی زنان در انتخابات مختلف در حال رشد بوده است. روش پژوهش مورد استفاده در این نوشتار، ترکیبی از روش‌های توصیفی و تحلیلی است. (کولایی، ۱۳۹۵: ۲۹)

مقاله؛ مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن مطالعه موردی شهرستان بندرعباس؛ تمایل گسترده‌ی آحاد مردم به نیل به دموکراسی و مشارکت آنان، به ویژه زنان در امور سیاست، یکی از شاخصه‌های مهم جهانی شدن در ابعاد سیاسی است. بنابراین مشارکت زنان در همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی مانند سیاست ضروری است، به نحوی که می‌توان گفت اقلیت بودن زنان در امور سیاسی، موجبات ناتمامی دموکراسی را در جامعه فراهم می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی زنان پاسخ‌گو از یک سو، و بررسی رابطه‌ی

میزان تحصیلات، نوع اشتغال و طبقه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان با میزان تمایل به مشارکت سیاسی از سوی دیگر است. در یک نمونه‌گیری تصادفی ۲۱۸ نفر از زنان شاغل و خانه‌دار در شهرستان بندرعباس به عنوان افراد مورد مطالعه‌ی تحقیق انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش، نشان‌گر تمایل زیاد زنان ایرانی به مشارکت در امور سیاسی حتی در مناطق محروم کشور مانند بندرعباس است. در عین حال، میزان مشارکت زنان پاسخ‌گو بر حسب میزان تحصیلات، نوع اشتغال و طبقه‌ی اجتماعی شان تفاوت معنادار دارد. بدین صورت که با بالا رفتن سطح تحصیلات و در مقابل، اشتغال در مشاغل که نیازمند سطوح بالای تحصیلی است سطح مشارکت زنان افزایش یافته و بیشترین میزان مشارکت سیاسی در میان زنان طبقه‌ی متوسط دیده شده است. (موحّد، ۱۳۸۲: ۴)

نظریه پردازی

امروزه مشارکت سیاسی از جمله اموری است که از سوی محافل روشن‌فکری بسیار مورد توجه قرار گرفته و از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یاد می‌شود، به گونه‌ای که عدم مشارکت سیاسی بخصوص مشارکت سیاسی زنان، به عنوان یکی از نشانه‌های عقب‌ماندگی کشورها عنوان می‌شود.

سابقه موضوع مشارکت در عرصه سیاست و علم آن عمری به قدمت تاریخ دارد. ارسطو در طبقه‌بندی معروف خود از نظام‌های سیاسی، معیار اول آن را مشارکت کمتر یا بیشتر افراد در اخذ تصمیم سیاسی دانست. اما مشارکت به مفهومی که امروزه کم و بیش متداول است، در زندگی جوامع انسانی پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود. تا یکی دو قرن پیش در اروپا، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، حق اداره امور عمومی به گروه کوچکی از مردم، که دارای امتیازات خانوادگی، ثروت و قدرت بودند، تعلق داشت. با اینکه در قرون وسطا افزایش نسبی در تعداد تصمیم‌گیرندگان به وجود آمد و صاحبان زمین قدرت سیاسی را نیز به دست آوردند، اما اکثریت مردم از مشارکت سیاسی محروم بودند و تنها نوع مشارکت سیاسی، شرکت در شورش‌های دهقانی یا تظاهرات در شهرها بود. این شورش‌ها نیز به ندرت مشروعیت ساختار نظام سیاسی را

مورد سؤال قرار می‌دادند. حتی زمانی که شورشیان قصد دگرگونی داشتند، هدفشان به قدرت رساندن عده‌ای دیگر به جای حاکمان قبلی بود. (رمضان نرکسی، ۱۳۸۳: ۱۲) از طرفی، در جهان غرب، زنان تا قرن‌ها از حقوق اولیه خود، حتی حق مالکیت و حق دخالت در سرنوشت سیاسی خود، محروم بودند. (بشیریه، ۱۳۷۶: ۲۹۰) اما سابقه تاریخی اندیشه مشارکت سیاسی زنان را باید از انقلاب فرانسه به بعد پی‌گیری کرد. در سال ۱۹۲۱ نویسنده‌ای انگلیسی به نام ماری ولستونگرافت با نوشتن رساله حمایت از حقوق زنان، توجه افکار عمومی را به موقعیت سیاسی زنان جلب کرد. در عصر روشنگری، متفکرانی مانند کندروسه و دیدرو از حقوق زنان سخن می‌گفتند. همچنین در نیمه اول قرن نوزدهم، هواداران سن سیمون و فوریه، دو تن از سوسیالیست‌های اولیه، از حمایت از حقوق زنان دم می‌زدند. در نیمه دوم قرن نوزدهم، تقاضا برای برابری زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی به شکل بارزی مطرح شد. در انگلستان، جنبش سیاسی زنان برای کسب حقوق سیاسی در سال ۱۸۵۶ آغاز شد. در ایالات متحده، جان استوارت میل، فیلسوف سیاسی معروف انگلیس، کتابی تحت عنوان اسارت زنان نوشت و مارکسیست‌های اولیه همانند انگلس در کتاب منشأ خانواده و مالکیت خصوصی و دولت و آگوست بیل از زنان حمایت کردند و سعی کردند سلطه مردان را همانند سلطه سرمایه‌داری مردود بدانند. (همان) این حمایت‌ها باعث بوجود آمدن جنبش فمینیستی شد. جنبش فمینیستی واکنشی در برابر این اجحاف بزرگ در حق زنان بود. از این‌رو، در پی دو واقعه تاریخی و انقلابی در غرب، یعنی توسعه سرمایه‌داری صنعتی و دموکراسی نمایندگی، زمینه مناسبی برای زنان ایجاد شد تا با شعار «تساوی همه‌جانبه با مردان» بپا خیزند. بنابراین، زنان که باورش‌شان شده بود به لحاظ خلقت پست‌تر از مردان هستند، خواستند خود را از همه جهت همانند مردان سازند تا ننگ زن بودن از دامان آن‌ها پاک شود. اما قضیه مشارکت زنان در اسلام و باوقوع انقلاب اسلامی تغییر کرد. مسئله مشارکت سیاسی زنان ایرانی ریشه در فرهنگ دینی تشیع دارد و ربطی به نهضت زنان در اروپا ندارد؛ زیرا نهضت زنان در اروپا شاخصه‌ها و نمودهایی دارند که در بین زنان ایرانی پیش از انقلاب اسلامی آن شاخصه‌ها وجود نداشتند. ایدئولوژی حاکم بر جنبش زنان اروپایی بر اصولی همچون فمینیسم و تساوی زن و مرد از هر

حیث، عدم رعایت شئونات و پوشش مذهبی همانند حجاب، مقابله با مظاهر دینی، طرف‌داری از جدایی دین از سیاست و مانند آن استوار است. اما این اصول در بین زنانی که در انقلاب اسلامی شرکت می‌کردند، وجود نداشتند، بلکه همان‌گونه که تاریخ گواهی می‌دهد، همواره حضور زنان با پوشش کامل اسلامی صورت گرفته و در آن‌ها، علاوه بر استفاده از نمادهای مذهبی، از شعارهای مذهبی نیز استفاده می‌شده است. به طور خلاصه، در مشارکت بسیجی زنان ایرانی در طول تاریخ، دو عنصر بیش از همه نقش دارند: الف. دفاع از دین و روحانیت اصیل در نهضت تنباکو (در دفاع از زنان گرجی مسلمان شده‌ای که سفیر روس می‌خواست به اجبار آن‌ها را برگرداند، و در انقلاب اسلامی؛ ب. دفاع از کیان مملکت در مقابل هجوم خارجی (در جریان تهدید روس علیه ایران در مشروطه دوم و در زمان جنگ ایران و عراق، و جنگ ایران و روس.

از جمله نظریات درباب مشارکت و جایگاه زنان، نظریه مقام معظم رهبری است. ایشان معتقدند؛ برای زنان مسلمان می‌توان سه ویژگی مهم برشمرد.

الف: زن عنصر تکاملی جامعه و بشر: جایگاه زن به عنوان انسانی در راه تکامل معنوی و نفسانی است که در این دیدگاه، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند. در قرآن، وقتی خدای متعال می‌خواهد برای مؤمنین مثال بزند، از زن مثال می‌زند؛ «وَصْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (تحریم؛ آیه ۱۱) زن به عنوان عنصر مؤمن برجسته‌ای که نظیر او در میان انسان‌های آن روز هم نبود یا کمیاب بود، حضور دارد. (بیانات رهبری به مناسبت تولد حضرت زهرا(س) ۱۳۸۵/۵/۸،

ب: زن عنصری در صورت و صیرت مادری: نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است. در این صورت، باید حقوق زنان در خانواده حفظ شود. رهبری معتقد است، جایگاه زن در جامعه یک جایگاه مادری است. هر جا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هر جا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و

محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه‌آمیز را با نام حمایت از زن انجام می‌دهد؛ در حالی که این حمایت از زن نیست؛ این خیانت به زن و خیانت به انسان است. (همان)

ج: زن عنصرهمراهی در جوامع: از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی، اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. از طرفی مقررات ضروری برای حمایت از حضور زنان در جامعه و در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی وجود دارد که خود به دو دسته است:

الف) نخست قوانینی که در بعد مادی از زن حمایت می‌کند؛ مثل تعیین میزان ساعات کار، میزان ساعات مرخصی، مرخصی زایمان، ویژگی‌های محل کار، نوع کار و تعیین زمان بازنشستگی. معمولاً مقرراتی که در کشورهای غربی به هدف حمایت از زنان وضع می‌شود از این دسته است. فمینیسم‌ها و کسانی که حمایت از زنان و خواستار رسیدگی به وضعیت زنان و بهینه‌سازی آن هستند، فقط به همین بعد از زندگی زن توجه کرده و به دنبال وضع مقرراتی هستند که رفاه بهتر و لذت دنیوی بیشتری برای زنان به دنبال داشته باشد.

ب) دوم مقرراتی که علاوه بر بعد مادی، بعد معنوی و سعادت ابدی زن را نیز لحاظ کرده و از شخصیت و هویت واقعی زن حمایت می‌کند؛ مانند مقررات مربوط به اطاعت زن از شوهر، ولایت پدر بر دختر، تعیین پوشش برای حضور در اجتماع، آداب راه رفتن زن، چگونگی ارتباط با مردان نامحرم، و حمایت از حضور زن در عرصه اجتماعی و صحنه‌های کار و تلاش اقتصادی. وضع مقرراتی از قسم اول گرچه لازم است، ولی کافی نیست. اخلاق، معنویت و سعادت ابدی، مهم‌ترین بعد زندگی زن است که مورد غفلت قانون‌گذاران واقع شده. بر خلاف مقررات نوع اول، که انسان‌ها به طور طبیعی در اندیشه وضع آن هستند و مدافعان حقوق زن از آن سخن می‌رانند و در محافل قانونی، به تصویب می‌رسانند، قوانین دسته دوم، خواه به سبب جهل و نادانی یا به اغراض و اهداف دیگر، مورد بی‌توجهی و بی‌مهری سازمان‌های بین‌المللی و مدافعان حقوق

زن واقع شده است، بلکه دنیای مادِیگرای غرب با این گونه قوانین موجود در کشورهای اسلامی، مخالفت می ورزد و پوشش را ممنوع می کند.

رویکردهای مختلف جامعه به زن در عصر بیداری اسلامی

نهضت های بیداری اسلامی، در دو مرحله مهم قرار دارد. مرحله براندازی و مرحله سازندگی. بیداری اسلامی در مرحله براندازی قرار دارد و به مرحله سازندگی نرسیده است. لذا حرکت عظیم بیداری اسلامی به معنای بررسی جایگاه زن در عصر حاضر و در دوره گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. بر این اساس سه رویکرد کلی درباره جایگاه زنان وجود دارد:

۱- رویکرد اول این است که جایگاه و نقش بانوان به صورت فردی مطالعه شود و از موازنه اجتماعی آنها بحث نشود.

این نگاهی هست که جامعه سنتی به آن گرایش دارد.

۲- رویکرد دوم، نقش و مسائل زنان را در مقیاس موازنه اجتماعی و در فرآیند توسعه غربی، مطالعه و بررسی می کند و مسائل توسعه را بر مسائل بانوان حاکم می سازد و به عبارتی، مشارکت اجتماعی بانوان را به صورت یک مشارکت انفعالی در فرآیند توسعه ملاحظه می کند. در ذیل این رویکرد، می توان از آن به « مدرن سازی مسائل بانوان» تعبیر کرد، برخی هم پیشنهاد مدرنیته اخلاقی را مطرح می کنند و می خواهند مسائل اجتماع و از جمله نقش بانوان را بر پایه مسائل نوظهور مطالعه کنند و مناسبات و الگوی توسعه در خصوص زنان را در ظاهر اسلامی یا اخلاقی سامان دهند. (<http://mirbaqeri.ir/articles>)

۳- رویکرد سوم، رویکرد تمدنی به جایگاه زنان است که نقش و مسائل بانوان را بر محور تشکیل تمدن اسلامی مطالعه می کند. پیش فرض این رویکرد آن است که دین قدرت رهبری و ساختار سازی اجتماعی دارد و می تواند زیرساخت های جامعه و مظاهر تمدن را مدیریت کند. محصول این مدیریت، ایجاد یک مدرنیته اخلاقی نیست؛ یعنی در مدل های بشری و مادی دست

نمی برد که آنها را تعالی بخشد و اخلاقی کند، بلکه تمدنی جدید بر مبنای ارزش های اسلامی را پیشنهاد می دهد (<http://mirbaqeri.ir/articles>).

هنگامی که حکومت پهلوی سعی می کرد باروش های مختلف تمام زنان و دختران ایرانی را مطابق با الگوی زن غربی و مدرن تربیت کند، تصوراكثریت درآن دوران براین بود که اگرزن بخواهد حضوراجتماعی داشته باشد ناگزیرباید زن مدل پهلوی را انتخاب کند و درصورت عدم پذیرش این الگو باید به نقش محدود درخانه رضایت دهد. اما امام خمینی (ره) با بهره گیری از اندیشه اسلامی و اهل بیت (ع) دید زن را وسیع کرد و حرکت زن به سوی کمال را سرعت بخشید و زن ایرانی متحول شد و مسیر صحیح را شناخت و دریافت که بیش از قوانین اسلامی برای او نافع تر و سودمندتر است و فهماند که اسلام هدفی جز حفظ شخصیت زن ندارد. (عیوضی، ۱۳۸۵: ۵۷)

بنابراین از بین دو الگوی زن مدرن غربگرا و زن سنتی خانه نشین یک الگو جدیدی شکل گرفت که الگوی غربگرای و پیروی از الگوی حاکم را نمی خواست و علاقمند به ارزشهای اصیل اسلامی و فادارباشد ولی درعین حال تحصیل کرده و از حضور در صحنه های اجتماعی برکنار نباشد و این الگو را می توان در سیره اهل بیت (ع) دید.

جایگاه زنان در انقلاب اسلامی ایران؛ زنان در انقلاب اسلامی دو نقش اساسی و عمده داشتند. یک. نقش مستقیم دو؛ نقش غیرمستقیم

یک. نقش مستقیم زنان در مبارزان انقلاب اسلامی

از جمله مشارکت مستقیم زنان در فرایند انقلاب اسلامی به اشکال زیر بیان کرد

۱- شرکت در تظاهرات ها. پس واقعه ۱۹ دی ماه (تظاهرات مدرم قم در پی مقاله توهین آمیز به امام خمینی (ره) که به تدریج تظاهرات و اعتراضات مدرم در سراسر ایران گسترده شد زنان نیز در تظاهرات ها حضور فعال داشتند همانند حضور ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ روز جمعه خونین که در آن روز

زنان مسلمان پیشاپیش صفوف مردان، درحالی که فرزندان خود را در آغوش فشرده بودند در راهپیمایی شرکت کردند اما هدف گلوله های ظالمانه نظامیان شاه قرار گرفتند و بسیاری از آنان به شهادت رسیدند. امام در این باره فرمودند « شما در تاریخ چنین دیده اید؟ امروز زنهای شیردل طفل خود را در آغوش کشید و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم میروند، در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۱۷۶)

۲- توزیع اعلامیه. اعلامیه های که امام نقش عمده ای در جریان انقلاب اسلامی داشت. به همین سبب توزیع آنها در میان مردم سراسر کشور اهمیت زیادی داشت. و چون رژیم از این مسئله آگاه بود، به شدت با عاملان توزیع و تکثیر آن برخورد می کرد به همین سبب از همان ابتدای انقلاب سعی می شد این امر مهم به زنان واگذار گردد، زیرا کمتر مورد سوء ظن واقع می شدند و ساواک تصور نمی کرد که آنان در جیب ها و جوراب هایشان اعلامیه داشته باشند. (باقری، ۱۳۷۴: ۱۱۵)

۳- برپایی مجالس زنانه. یکی از اقداماتی که زنان انجام می دادند و تاثیر زیادی در هدایت آنان در مسیر انقلاب داشت برپایی مجالس و سخنرانی های مذهبی و سیاسی زنانه بود به دلیل نقش تربیتی قابل توجه که این گونه مجالس داشتند با پیشرفت جریان انقلاب اسلامی در بیشتر نقاط کشور این گونه جلسات از سوی زنان در مساجد و حسینیه ها تحصیل کرده بودند برای زنان سخنرانی می کردند و علاوه بر شعائر دینی مسائل سیاسی را نیز مطرح می نمودند و زنان را دعوت به مشارکت و مبارزه با رژیم می نمودند. (طهماسبی، ۱۳۸۹: ۵۷)

۴- حمایت از زندانیان سیاسی. یکی از اقدامات مهم زنان در جریان نهضت کارهایی بود که برای حمایت از زندانیان سیاسی انجام می دادند، زنان برای آزادی زندانیان که اغلب از وابستگان نشان بودند، تلاش زیادی انجام می دادند. از جمله،

الف) توسل به آیات عظام و مراجع تقلید

ب) تماس با وکلای مدافع سرشناس داخل و خارج

ج) تماس با سازمان های صلیب سرخ و عفویین المللی

د) تحصن طولانی واغلب همراه با اعتصاب غذا. ازگسترده ترین تحصن زنان می توان به تحصن زنان در منزل آیت الله خادمی اشاره کرد که حدود ۴۵ نفر از زنان در ۱۰ تیر ۱۳۵۷ که با اعتصاب غذا همراه بود و ۱۵ روز به طول انجامید و شهربانی با دیدن این وضع عقب نشینی کرد. (نوربخش، ۱۳۶۹: ۱۱۲)

۵- تشکیل گروههای مبارزه. زنان در وهله اول به تبعیت از مردان و هم دوش آنان به میدان آمدند و در راهپیمایی ها و تظاهرات هایی که مردان بانی آن بودن شرکت می کردند ولی به مرور زمان با کسب تجربه بطور مستقل به تشکیل گروه ها و جنبش هایی اقدام کردند از جمله،

الف) جنبش زنان مسلمان ایران

ب) جنبش بانوان و دوشیزگان مسلمان خراسان

ج) زنان مبارز پیشروی تهران

د) اتحادیه انقلابی زنان مبارز. (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۶۳، ۲۸ دی ۱۳۵۷، ص ۸)

۶- انتشار اعلامیه و بیانیه. در جریان نهضت گروهها و تشکلهای جنبشها هر کدام در فرصت مقتضی به انتشار اعلامیه و بیانیه می پرداختند که در آن مسائلی متعددی مطرح می شد. در این میان زنان نیز بی کار ننشستند و بیانیه و اعلامیه از طریق روزنامهها در فرصت مقتضی منتشر کردند که از جمله آنها می توان به، الف) اعلامیه زنان زندانی سیاسی، ب) بیانیه زنان مجاهد (اعلامیه زنان مجاهد اصفهان) (فریده کمالوند: ۱۳۸۱، ۲۰۸-۲۱۲) اشاره کرد.

دو. نقش غیر مستقیم زنان در مبارزان انقلاب اسلامی

در الگوی زن غربگرا، به زن نگاه جنسیتی داشته و تمام تلاش های آنها در جهت مبارزه با مردان و جایگزین شدن به جای او می باشد و این الگو توانایی تاثیر غیر مستقیم بر مردان را ندارد. زیرا تمام

تلاش این الگو (زن عرب گرا) درصدد دست یافتن درجه برابری با مردان است. و حال اینکه زنان الگوی مسلمان نه تنها در خط مقدم پیروزی انقلاب اسلامی نقش مستقیمی ایفا می کرد بلکه تاثیرات غیرمستقیمی بر شوهران، فرزندان و پدران و برادرانشان داشتند که از تاثیر مستقیم شان کمتر نبود. به عبارت دیگر زنان در طول تاریخ نه تنها مولد و زاینده مردان و پرورش دهنده جسم آنها بلکه بخش مکمل آنان نیز بوده اند. از این رو شرکت بانوان در حوادث انقلاب باعث تقویت شهامت و جرات جوانان گردیده و حرکت و انقلاب را تندتر و شدیدتر کردند. (عیوضی، همان، ۵۷)

از جمله تاثیرات غیرمستقیم زنان در پیروزی انقلاب اسلامی رعایت حجاب بوده است. زنان از طریق حجاب دست به تحولات شگرفی در جامعه قبل از انقلاب اسلامی زده اند که تاریخ شواهد بر این مدعا کمتر دیده. بدین ترتیب حجاب که پیش از شروع نهضت امام خمینی (ره)، زنان آن را به صورت عاملی برای کسب احترام در مقام انسانی و نه به صورت کالا برمی گزیدند، با شروع نهضت چادرسیاه خود تبدیل به نوعی نماد شده بود. (طغرانگار، ۱۳۸۸: ۱۵۹) حضور فعالانه زنان در انقلاب با رعایت حجاب مستلزمات شرعی جهاد بیانگر توجهات زیراسوی آنان است:

۱- کسب هویت دینی

۲- مقابله با نقشه های ابرقدرتهای استعمارورژیم پهلوی

۳- علاقه به کسب آزادی در چهارچوب پوشش اسلامی. (محمد رحیم عیوضی، همان، ص ۵۷)

شیشم؛ تاثیر زنان انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی

به برکت الگویی که انقلاب اسلامی برای حضور سیاسی - اجتماعی زنان مسلمان در سراسر جهان به صورت عملی و نظری ارائه نموده است باعث تاثیرات چشم گیری در بیداری اسلامی داشته است. از جمله این تاثیرات عبارتند از؛

۱. مشارکت عملی به همراه اثر و تحریک فکری؛ سند شماره ۳۲۳۱ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با درج بخشی از مطالب یک نوشتار به نام « ملت های عربی و انقلاب اسلامی » که

ازانتشارات دفتربرنامه ریزی هماهنگی تبلیغات خارجی می باشد ، به تاثیرحضورزنان ایرانی درانقلاب وبازتاب آن درجهان عرب پرداخته است. مشارکت زنان ایرانی درانقلاب دو اثرمهم براعراب باقی گذاشت.

الف . اثرفکری ؛ این موجب شد که اعتقاد به این که حجاب مانع ازمشارکت زنان درفعالیت های سیاسی واجتماعی باشد ازبین برود. زیرا اعراب تصور می کردند که اسلام به زن حق فعالیت اجتماعی نمی دهدوقط کارزن منحصربه خوردن وخوایدن وآرایش است .چنین تصوراتی پس ازاین که زنان با حجاب به رهبری روحانیت برعلیه رژیم کافرقیام کردند، ازذهن اعراب بیرون رفت.

ب . نقش زن درایران باعث گردید که بقیه زنان درجهان عرب به ویژه درعراق، لبنان ، کویت به مشارکت عملی دراسلام به ویژه درجهت سیاسی واجتماعی تشویق شوند، ولی اثرآن درزنان شیعه بیشتراز زنان سنی بوده است. زیرا تحریک فکری زن ایرانی دررابطه با نقش تاریخی حضرت فاطمه ودختر او حضرت زینت شکل گرفته است به ویژه که آنها الگویی برای زنان شیعه می باشند. (سازمان فرهنگ وارتباطات مردمی، سند شماره ۳۲۳۱)

۲. **کاهش نگرشهای منفی درباره زنان مسلمان ؛ خانم « دانیل کشار»** مدیرجشنواره مونتران کانادا معتقد است: « تصویری غلط ازحضورزنان درایران ، درذهن خارجی ها وجود دارد، غربی ها فکر می کنند که زنان ایرانی فعالیتهای اجتماعی چندانی ندارند ودرخانه نشسته اند وتنها به خانه داری مشغولند» (نیره قوی : ۱۳۹۱، ۱۳۴)

۳. **گسترش حجاب اسلامی درجهان پس ازانقلاب اسلامی ؛** پس ازانقلاب اسلامی ، حجاب اسلامی زنان بیشترین تاثیررا بردنیای اسلام گذاشت. تمایل وافزایش رویکرد به حجاب اسلامی دراندونزی یکی ازتاثیرات مستقیم پخش تصاویرزنان مبارز ایرانی از رسانه های گروهی این کشوراست. او می گوید« تقلید ازحجاب بانوان ایرانی دراندونزی وترویج آن به یک مدل تبدیل گردیده وهم اکنون درمیان دانشجویان دانشگاهها هواداران بسیاریافته است. (نیره قوی : ۱۳۹۱، ۱۳۵) بعضی ها درتاثیرانقلاب اسلامی دربیداری اسلامی که دچارشک وتردید می شوند، باید

اشاره کرد که یک روزنامه آلمانی در پاسخ به این پرسش که چرا بیداری اسلامی و جنبش حمایت از حجاب در دهه ۱۳۴۰ ه.ش/ ۱۹۶۰م اتفاق نیفتاد؟ می گوید: مگر اینکه بگوییم؛ حجاب زنان ایران پس از انقلاب اسلامی در این امر تاثیر داشته. در واقع، در تمام دنیا بویژه در دنیای اسلامی، زنان در عرصه زنده کردن ارزشهای اسلامی، در حال ایجاد اداره جنبشی هستند که قبل از انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش/ ۱۹۷۹م ایران وجود نداشت. (معصومه راغبی: ۱۳۸۸، ۱۱۱)

بنابراین تصویری که انقلاب اسلامی از زن ترسیم می کند، دو تأثیر مهم بر جای گذاشته است:

نخست آنکه جهان دریافته است زن مسلمان ایرانی خانه نشین و منفعل نیست. دیگر آنکه نگرش های منفی درباره زنان مسلمان کاهش یافته است. و علاوه بر آن حجاب زنان جمهوری اسلامی به شیوه های مختلفی به آن سوی مرزهای ایران نفوذ کرده است؛ برای مثال، بخشی از اشاعه حجاب ایران اسلامی از طریق فیلم های ایرانی صورت گرفته است. استقبال از حجاب اسلامی ایرانی به استثنای تبدیل آن به نماد مخالفت با دولت ها، دلایل دیگری نیز دارد، از جمله ۱. پوشش اسلامی به عنوان اظهار وجود فردی یا مذهبی به کار می رود؛ ۲. توجه به حجاب، پاسخی به جنبش فمینیسم است؛ ۳. مهم تر از همه، دلیل گرایش و تشریف به دین مبین اسلام است. (محبوبه پنگلی: ۱۳۸۹، ۱۸۶)

۴. هوشیاری سیاسی زنان؛ زنان ایرانی از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، با ایجاد تشکلهای متعدد انقلابی و خودجوش، زمینه ارتباط و تبادل آرا و تجارب با زنان را در اقصا نقاط جهان به وجود آوردند. مسئله خشم و واکنش های تند بسیاری از محافل غربی را با این شعار دروغین که می خواهند، زن در صحنه حاضر باشد، برانگیخت، ولی زنان ایرانی بدون توجه به برآشفتگی غرب، به صدور معنوی بیداری اسلامی ادامه دادند و همین امر باعث شد زنان مسلمان هویت اسلامی خود را در پرتو بیدارگری زنان انقلابی ایران به دست آوردند. از جمله این زنان که در هوشیاری سیاسی نقش بسزایی داشته اند عبارتند از؛

الف. بنت الهدی صدر خواهر آیت ... سید محمد باقر صدر در عراق که از کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در عراق، فعالیت خود را آغاز کرد و دست به انتشار مقالاتی در برخی از مجلات و روزنامه زد. او به همراه برادرش در عراق، تحریک عجبی ایجاد کرد و در زمینه حجاب و پوشش دختران دانشگاهی، فعالیت چشمگیری نمود.

ب. آیات القرمزی دختر جوان ۲۰ ساله بحرینی که بدلیل سرودن شعر علیه آل خلیفه در بحرین دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفت.

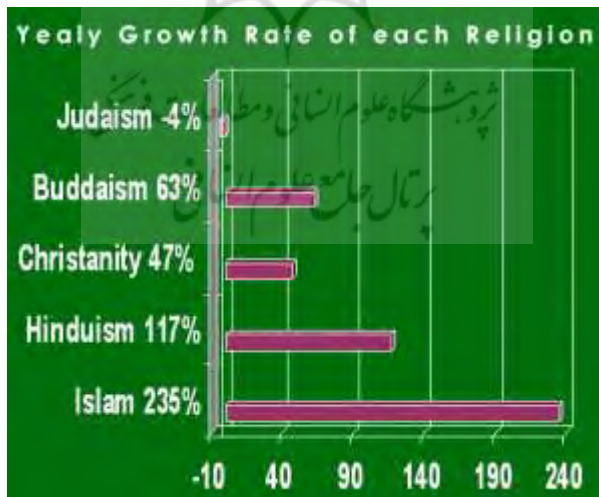
ج. زینب الخواجه دختر یکی از مشهورترین فعالان حقوق بشر است که علیه رژیم خلیفه در حرکتهای مردمی دستگیر شده است.

اینها نمونه کوچکی از مقاومت دلاورانه زنان مسلمان در کشورهای اسلامی است که باتاسی جستن از زنان ایرانی در شکوفایی و تحولات کشور خود نقش بسزایی داشته اند. از جمله تحولات ایجاد شده، در چهار حوزه، مشارکت زنان، حفظ و احترام به خود، کسب امنیت از طریق حجاب و هوشیاری سیاسی را می توان در دیگر کشورها ملاحظه کرد. بعنوان نمونه؛ قانون تغییر حجاب که با تلاش و هوشیاری زنان ترک، منجر به کسب قانون حجاب شدند. مسئله حجاب در ترکیه به سال ۱۹۲۳ میلادی هنگامی که جمهوری ترکیه به دست «مصطفی کمال آتاتورک» بنیان گذاشته شد، برمی گردد؛ با وجود اینکه در آن زمان موسسه ها و نهادهای رسمی به کارمندان زن اجازه نمی دادند که با حجاب فعالیت کنند؛ اما در اولین قانون اساسی جمهوری هیچ ممنوعیت حجابی وجود نداشت. اما در سال ۱۹۶۰ با افزایش تعداد دانشجویان محجبه که تمایل داشتند با حجاب وارد دانشگاه شود، مناقشه ها درباره مسئله «حجاب» در ترکیه افزایش یافت. (خبرگزاری شبستان؛ ۱۰/۹/۱۳۹۷)

در سال ۱۹۹۹ برای نخستین بار، یک زن محجبه به عنوان نماینده پارلمان ترکیه انتخاب شد و این در حالی بود که اجازه نداشت تا با حجاب در پارلمان حاضر شود. با رسیدن حزب عدالت و توسعه به قدرت، سیاست های ضد حجابی و اسلامی کاهش یافت، اما ممنوعیت حجاب در نهاد ها و

موسسه های دولتی تا سال ۲۰۱۰ میلادی به قوت خود باقی ماند، حتی همسران محجبه وزیران و رووسای جمهوری نمی توانند در دیدارها با نظامیان ترکیه حاضر شوند. اما در سال ۲۰۱۰ میلادی، قانون اساسی ترکیه اصلاح شد و تدابیر درباره این حقوق اتخاذ شد و پذیرش حجاب به همه پرسى گذاشته شد تا اجرایی شود. «رجب طیب اردوغان» نخست وزیر وقت ترکیه در یکم اکتبر سال ۲۰۱۳ میلادی لغو ممنوعیت حجاب در موسسه های دولتی را اعلام کرد. (همان)

از طرفی با توجه با تبلیغات منفی و همه جانبه غرب علیه اسلام و فرهنگ اسلامی، بسیاری از مردان و زنان غربی در ذهن خود، تصویر ترسناک و خطرناکی در ذهن خود ایجاد کرده اند، لکن در کنار تمام تبلیغات منفی غرب، روند گرایش و تمایل مردان به خصوص زنان غربی به اسلام و علی الخصوص به مسئله حجاب غیر قابل انکار است. <http://www.30-days.net/muslims/statistics/islam-growth/> به شکلی که بر اساس آمار مختلف، اسلام نسبت به دیگر ادیان در غرب رو به گسترش است و بیش از ۱۵۰ درصد، افزایش یافته است. <http://www.ukbbcnews.com/shocking-statistics-islam-the-fastest-growing-religion-in-the-west.html/islam-vs-others-growth-rate>



پروفسور "مادلین زیلفی" استاد تاریخ خاورمیانه در دانشگاه مریلند درباره افزایش روند تمایل قشر تحصیلکرده زنان در دانشگاه‌های آمریکایی می‌گوید: سرعت این روند مرا کنجکاو کرده است، من بارها این موضوع را در دانشکده دیده‌ام که اسلام به دختران هویت بخشیده است، اکنون دختران مسلمان با انگیزه قویتری در دین اسلام تحقیق می‌کنند و نسبت به اعتقاداتشان جدیت بیشتری دارند. زیلفی همچنین می‌گوید: حجاب کلمه‌ای است که معنای بسیار دارد، حجاب همیشه در داخل و خارج کشورهای اسلامی نماینده خیلی از چیزها از جمله یک بیانیه سیاسی محکم علیه فساد و بی بند و باری و یک عمل مذهبی عمیق شخصی بوده است؛ این موضوع به اصل اسلام برمی‌گردد؛ قرآن حجاب را در قالب لباس لازم شمرده است. .

(<http://uzbek.trib.ir/persian/print/4431.html>). در چنین فضایی بدیهی است که افراد به دنبال امنیت و آرامش هستند و اسلام و حجاب این امنیت و آرامش را برای آن‌ها فراهم می‌کند. به همین خاطر است که بررسی‌های دفتر آمار ملی انگلیس در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد شمار مسلمانان در برخی مناطق لندن به حدود نیمی از جمعیت آن مناطق می‌رسد و در صورت تداوم روند افزایش شمار مسلمانان، اسلام در ۱۰ سال آتی در این مناطق به دین اکثریت تبدیل خواهد شد. زیربنایی‌ترین دلیل این گرایش وسیع به اسلام نیز ناتوانی دموکراسی لیبرالی از پاسخ دادن به سؤالات و ابهامات و محافظت از افراد است. اگر آمار مسلمانان این کشور را در سال‌های قبل مورد بررسی قرار دهیم میزان رشد اسلام در این کشور اروپایی بهتر برایمان روشن می‌شود. در حالی که در سال ۱۹۹۱ شمار مسلمانان انگلیس کمتر از یک میلیون نفر (۹۵۰ هزار نفر) بود و تنها ۱/۹ درصد از کل جمعیت این کشور را شامل می‌شد؛ تنها یک دهه پس از این تاریخ، شمار مسلمانان به یک میلیون و ۵۴۶ هزار و ۶۲۶ نفر یعنی ۳ درصد از کل جمعیت این کشور رسید و با فرارسیدن سال ۲۰۱۱، این تعداد در انگلیس و ولز به ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر یعنی ۴/۸ درصد از کل جمعیت شهروندان رسید. بسیاری از زنان مسلمان انگلیسی در مصاحبه با رسانه‌های این کشور علت مسلمان شدن خود را «امنیت» بیان می‌کنند؛ زنان مسلمان اظهار می‌دارند زمانی که حجاب بر سر دارند نسبت به خشونت‌های جنسی و بی‌اخلاقی‌ها در امان هستند؛ آنان حجاب را ممانعتی برای

متعرضان می‌دانند که از تعرض مصون بمانند. ۶۵ درصد زنان مسلمان به‌خاطر حجاب به اسلام علاقه‌مند شدند؛ آن‌ها حجاب را برای خود یک نوع «سپر محافظتی» در مقابل این بی‌اخلاقی‌ها می‌دانند. (گزارش «تلگراف» از گرایش فزاینده زنان انگلیسی به اسلام؛ روز نامه جوان؛ شهویور ۱۳۹۸)

نتیجه گیری

مشارکت سیاسی زنان در همه فعالیتهای سیاسی یک ضرورت است بنحوی که می‌توان گفت اگر زنان در حوزه سیاسی، اقلیتی بشمار آیند، دموکراسی ناتمام است. مشارکت سیاسی زنان یکی از نشانه‌های اصلی توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی است که راه را برای توسعه‌ی پایدار نیز هموار می‌کند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این مشارکت، رای دادن برای انتخاب نمایندگان در نهادهای مختلف است. رای زنان را می‌توان یک عامل اساسی که می‌تواند باعث تغییرات مهم در ظرفیت‌های قانونی برای بهبود وضعیت زنان در مناطق مختلف شود، به حساب آورد. اگرچه مشارکت سیاسی زنان به معنای شرکت زنان در انتخابات و رای دادن خلاصه نمی‌شود، بلکه مشارکت به معنای آن است که زنان در تمام نهادهای دموکراتیک نقش تعیین کننده و تصمیم گیرنده داشته باشند. از طرفی، بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه‌ی دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. بیداری اسلامی؛ ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر میشود بیداری اسلامی؛ احساس حقارتی است که به واسطه تحولات تاریخی و روندهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تاریخ معاصر خاورمیانه و شمال آفریقا بر مسلمانان تحمیل و آنان را به تامل در هویت اصلی خود و قیام برای بازگشت به دوران مجد و عظمت اسلامی خویش واداشته است. یکی از عوامل بیداری اسلامی، احساس سرخوردگی زنان مسلمان، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی خود است. هویت، کلیدی ترین مفهوم تئوری سازه‌انگاری را در علوم سیاسی و روابط بین الملل

تشکیل می دهد. تاریخ شاهد آن بوده که، نگاه به زن در جاهلیت نگاه ابزاری و کالائی بوده یعنی زن در ردیف یکی از کالاهایی بوده است که در اختیار مردان بوده، تا لذت بیشتری از زندگی ببرند. اسلام با ندای آسمانی خود تحول بزرگی ایجاد نمود و شخصیت زن را برابر مرد قرار داد، ایمان و عقاید و افکار او را محترم شمرد و حقوق اجتماعی زیادی برای او قرار داد که قبل از اسلام وجود نداشت. باوقوع انقلاب اسلامی، زن از جایگاه منفعلانه به جایگاه اصلی خود که همانا مشارکت در عرصه اجتماعی دست یافت و همین امر باعث تاثیرات مهمی در بیداری اسلامی زنان مسلمان شد. نخست آنکه جهان دریافته است زن مسلمان خانه نشین و منفعل نیست. دیگر آنکه نگرش های منفی درباره زنان مسلمان کاهش یافته است و علاوه بر آن زن به جایگاه تمدنی که همانا ساختار سازی بر اساس ارزشهای اسلامی در حوزه تمدنی هست، دست یافت. زن مسلمان، از طریق حجاب که نماد والگوی تمدنی اسلامی محسوب می شود به شیوه های مختلفی به آن سوی مرزهای ایران نفوذ نمود. استقبال از حجاب اسلامی به عنوان نماد تمدنی به استثنای تبدیل آن به نماد مخالفت با دولت ها، دلایل دیگری نیز دارد، از جمله آنکه، پوشش اسلامی به عنوان اظهار وجود فردی یا مذهبی به کار می رود و توجه به حجاب، پاسخی به جنبش افسار گسیخته فمینیسم در غرب است. از همین رو، بیداری اسلامی در چهار حوزه؛ مشارکت عملی زنان، کاهش منفی نسبت به زن مسلمان و تداوم هوشیاری زنان مسلمان را در کشورهای دیگر منجر شد.

منابع و مآخذ

امام خمینی، تبيان، آثار موضوعی (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره) سخنرانی ۱۳۵۷/۷/۲۰ باقری، علی، خاطرات ۱۵ خرداد، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ج ۱، تبریز ۱۳۷۴ پلنگی، محبوبه، «زنان ایرانی از نگاه زنان غیر ایرانی، گذری کوتاه»، قم، ویژه نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم.

راغبی، معصومه، «چهره زن ایرانی در مطبوعات بیگانه»، قم، ویژه نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم طفرانگار، حسن، حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸

طهماسبی کهبانی، ساسان، نقش زنان در نهضت امام خمینی (ره) چاپ اول انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

عیوضی، محمد رحیم، انقلاب برای زنان، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال پنجم، شماره ۴۸۰ شهریور ۱۳۸۵

کمالوند، فریده، یادهای ماندگار، تهران، نشر اشاره، ۱۳۸۱
نوربخش، سیدحسین، یادواره نهضت اسلام تا ۲۲ بهمن ۵۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹
محمد رحیم عیوضی، انقلاب برای زنان، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال پنجم، شماره ۴۸۰ شهریور ۱۳۸۵

فریده کمالوند، یادهای ماندگار، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۸-۲۱۲
نیره قوی، حضور زنان در انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن بر بیداری اسلامی، فصلنامه علمی و تخصصی سازمان بسیج اساتید کشور، شماره اول، بهار ۱۳۹۱
محمد مهدی میرباقری؛ تحلیل بیداری اسلام و تبیین نقش زنان مسلمان، سایت؛ <http://mirbaqeri.ir>

قوم، عبدالعلی، روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
مطهری، مرتضی، نهضت های صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ۱۳۷۷
مژگان عظیمی و دیگران؛ مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل موثر بر؛ فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه؛ ۱۳۹۴، شماره ۲۴

محمدی اصل عباسی، موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران، رفاه اجتماعی، ۱۳۸۳، شماره ۱۲

الهه کولایی؛ نگاهی بر مشارکت سیاسی زنان ایران در بین سال های ۲۰۰۱-۲۰۱۱؛ فصلنامه مطالعات
بین المللی؛ ۱۳۹۵ شماره ۵۰
مجید موحد؛ مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن مطالعه موردی شهرستان
بندرعباس؛ فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی، ۱۳۸۲، شماره ۳
حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، چ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی